



علوم انسانی از اومانیزم گذر و به عصر پسااومانیزمی وارد شده است

پروفسور ریچارد سوئین برن استاد ممتاز دانشگاه آکسفورد معتقد است که علوم انسانی از عصر اومانیزم گذر کرده و به عصر پسااومانیزمی وارد شده است.

پروفسور ریچارد سوئین برن استاد ممتاز دانشگاه آکسفورد معتقد است که علوم انسانی از عصر اومانیزم گذر کرده و به عصر پسااومانیزمی وارد شده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه - جلال حیران نیا: علوم شناختی [Cognitive Science] مطالعه علمی ذهن [Mind] است. در این تعریف منظور از ذهن مجموع هر آنچه که نمودهای هوشمندی و آگاهی هستند مانند تفکر، ادراک، حافظه، احساس، استدلال و نیز تمام روندهای ناآگاهانه شناختی است.

گاهی علوم شناختی را به صورت «مطالعه علمی شناخت» نیز تعریف می کنند و شناخت را مجموع حالت ها و فرآیندهای روانی مانند تفکر، استدلال، درک و تولید زبان، دریافت حواس پنجگانه، آموزش، آگاهی، احساسات و... در نظر می گیرند. به طور کلی پرسش هایی مانند اینکه ذهن چگونه کار می کند یا مغز چگونه هوشمندی [Intelligence] را ایجاد می کند، از جمله پرسش هایی هستند که در این شاخه علمی بررسی می شوند.

علوم شناختی، مجموعه ای از رشته های تخصصی و حوزه وسیعی از دانش است. ده ها سال است که در دنیا در زمینه علوم شناختی تحقیقات مفصل و پرهزینه ای انجام می شود. برخی معتقد اند که این علوم به معنای تغییر پارادایمیک در حوزه علوم انسانی است و علوم انسانی غربی را از اومانیزم وارد پارادایمی می کند که می توان آن را پسااومانیزم نامید که در آن «انسان» سر جای خودش قرار می گیرد.

خبرنگار مهر در گفت و گو با پروفسور «ریچارد سوئین برن» به بررسی نسبت علوم انسانی و علوم شناختی پرداخته که در ادامه آمده است:

«ریچارد سوئین برن» استاد فلسفه دین در دانشگاه آکسفورد و یکی از مهم ترین فیلسوفان دین معاصر انگلستان در دهه های اخیر محسوب می شود. اولین کتاب او در سال ۱۹۶۸ با عنوان «مکان و زمان» منتشر شد. اثر مهم بعدی او «مقدمه ای بر نظریه تأیید» بود. ارتقای او به مرتبه استادی در دانشگاه کیل در ۱۹۷۲ مقرران با تمرکز علمی وی بر فلسفه دین شد.

در سال ۱۹۸۵ مقام استاد ممتاز فلسفه دین مسیحی در دانشگاه آکسفورد به وی اعطا شد. او کتاب های «مسئولیت و کفاره» (۱۹۸۹)، «وحی» (۱۹۹۲)، «خدای مسیحی» (۱۹۹۴)، «مشیت و مسئله شر» (۱۹۹۴) را نوشته است. همچنین «توجیه معرفتی» (۲۰۰۱) و «قیام خدای مجسم» (۲۰۰۳) از کتاب های دیگر او هستند. سوئین برن از سال ۱۹۹۲ عضو فرهنگستان بریتانیا است. همچنین در سال ۱۹۹۵ از کلیسای انگلستان جدا شد و به کلیسای ارتدکس یونان پیوست. یکی از مهم ترین آثار سوئین برن کتاب Is there a God است.

سوئین برن در خصوص نسبت علوم انسانی و علوم شناختی به خبرنگار مهر گفت: علوم شناختی به بررسی و مطالعه رفتار و تفکر آگاهانه انسان می پردازد. البته این علوم مختص مطالعه در خصوص انسان نیست و مطالعه حیوانات نیز در حیطه این علوم است.

وی در ادامه یادآور شد: علوم اعصاب جز اصلی تشکیل دهنده علوم شناختی است. از رهگذر این علوم نشان داده می شود که تا چه اندازه رفتار و تفکرات ما ناشی از فرایندهای فیزیکی و شیمیایی است که در مغز رخ می دهد.

استاد ممتاز دانشگاه آکسفورد در ادامه یادآور شد: این موضوع مرتبط با انسان های مختلف است، اما مهمترین موضوع ارتباط این موضوع با فلسفه است. فلسفه تلاش می کند تا تصویری کلی از چگونگی کارکرد جهان و هستی ارائه دهد.

سوئین برن تصریح کرد: بر این اساس نیاز است که بررسی شود تا چه اندازه فرآیندهای ذهنی در این شناخت نقش دارند و تا چه میزان مرتبط با فرآیندهای فیزیکی هستند و میان فرآیندهای ذهنی و فیزیکی نیز باید تمییز قائل شد.

همچنین می توان بررسی کرد که تا چه میزان این فرایندهای ذهنی و فیزیکی که در سالهای اخیر پیشرفت نیز داشته اند در این شناخت مؤثر هستند.

سوئین برن در خصوص این موضوع که آیا علوم اعصاب کمکی به فلسفه داشته یا خیر نیز گفت: به طور مشخص علوم اعصاب به مسائل و موضوعاتی می پردازد که به طور سنتی توسط فلسفه مورد بررسی قرار می گرفت که این موضوع تشکیل شدن انسان از دو بعد جسم و روح است که فلسفه آن را از ابتدا مورد بررسی قرار داده است. همچنین این موضوع که انسان دارای اراده آزاد است که به طور سنتی توسط فلسفه مورد بررسی قرار می گرفته است.

استاد دانشگاه آکسفورد تصریح کرد: من تصور می کنم که علوم اعصاب می تواند تفاوتی را در خود علوم (science) به وجود آورد. دلیل این امر این است که فرایندهای ذهنی وجود دارند که تقریباً از فرایندهای فیزیکی کاملاً متفاوت هستند ولی در تعامل با این فرایندها هستند.

وی افزود: باید توجه داشت که فرایندهایی در جهان هستند که تنها به وسیله فرایندهای فیزیکی قابل تفسیر نیستند. برای نمونه نظریه کوانتوم و نظریه نسبیت تنها با فرایندهای فیزیکی قابل تبیین نیستند.

این فیلسوف دین معاصر در پایان گفت: من در نوشته ها و آثار خود اشاره کرده ام که ما از عصر اومانیزم گذر کرده و به عصر پسااومانیزستی وارد شده ایم.